

# چشم انداز سیاسی - اقتصادی بندر چابهار

## در راهبردهای آینده نگرانه سیاست گذاری خارجی - امنیتی

یاسر کهرازه<sup>۱</sup>

گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۲/۲۲ - تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۱۶)

### چکیده

در نگاه هندی، چابهار بخشی از ایده های استراتژیکی و ژئوپلیتیکی ناسیونالیسم هندی برای خیزش منطقه ای و جهانی و رقابت متوازن ژئو اکونومیکی با رقیبان سنتی و دیرینه است. در سند چشم انداز آینده پژوهانه هند، بندر چابهار در کنار اهمیت امنیتی - سیاسی، اهمیت اقتصادی فراوانی دارد. در گفتمان پرستیژ و اقتدار ناسیونالیسم هندی چابهار به عنوان یک هاب فرا منطقه ای اهمیت نمادینی دارد و بر مبنای چشم انداز بلند مدت، این بندر اقیانوسی می تواند، ارزش و اعتبار برندینگ هند را از بعد اقتصادی و سیاسی در دنیا افزایش دهد. دریچه گسترش چابهار برای هند در مرحله اول مالی - اقتصادی و در قدم دوم سیاسی - امنیتی است. هند از طریق ابزارهای دیپلماسی اقتصادی، برنامه ها و راهبردهای بلند مدتی برای چابهار دارد. با وجود شرایط غیر متعادل و بی ثبات منطقه خاورمیانه و ایران، هند با همکاری افغانستان و از طریق دیپلماسی اقتصادی تلاش کرده است که تا حد ممکن به گسترش و رشد اقتصادی و اهمیت منطقه چابهار کمک کند. مقاله حاضر با تکیه بر چشم انداز نظری دیپلماسی اقتصادی جدید، راهبردهای آینده نگرانه هند را در زمینه بندر چابهار تحلیل می کند. فرضیه اساسی مقاله این است که دیپلماسی اقتصادی جدید هند ارتباط ساختاری با راهبردهای سیاسی - امنیتی هند برای بندر چابهار دارد و نگاه صرفاً اقتصادی و یا سیاسی محض به جایگاه بندر چابهار در سیاستگذاری هندی، نگاهی تک بعدی و اشتباه است و تحلیل جایگاه بندر چابهار در سیاست خارجی و اقتصادی هند مبتنی بر یک نگاه چند وجهی و بلند مدت است. روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر واکاوی توصیفی - تحلیلی ساخت بندی شده است.

واژه های کلیدی: چابهار، هند، اقتصاد، امنیت، راهبرد.

Email: yaser.kahraze@yahoo.com

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، سال چهاردهم، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۰، صص. ۱۵۸ - ۱۲۹.

DOR:20.1001.1.24234974.1399.13.4.7.3

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

## مقدمه

در مورد اهمیت بندر چابهار برای جمهوری اسلامی ایران کتابها و مقالات زیادی نوشته شده است هر چند به اهمیت چندوجهی این بندر برای هند کمتر پرداخته شده است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا اهمیت ترکیبی بندر چابهار را طریق یک چارچوب اقتصادی-سیاسی مفهومی تجزیه و تحلیل کند. بندر چابهار در ابعاد اولیه اهمیتی اقتصادی برای هند دارد. اما با تحلیل اقتصادی این بندر، می‌توان به ابعاد مهم و عمیق امنیتی و سیاسی آن برای هندی برد. مسئله چابهار برای هند و اندیشه ناسیونالیسم هندی، هدف بلند پروازانه ای است که می‌تواند ایده های هندی توسعه اقتصادی و گسترش ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی را ساخت بندی کند. در اندیشه متفکران هندی و راهبردهای اتاق فکر نخبگان هند، بندر چابهار یکی از پروژه های حیاطی این کشور برای مقابله اقتصادی و سیاسی با چین و پاکستان و حذف و یا کاهش ضعفهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی این کشور در دریاهای آزاد در برابر رقبای سنتی اش است. قرار گرفتن بندر چابهار در مسیر ترانزیت شرق و کریدور شمال - جنوب، نقش این بندر را در استراتژی های آینده نگرانه هندی، بسیار مهم کرده است. دسترسی به انرژی ارزان ایران در مقایسه با کشورهای دیگر، بازارهای آسیای میانه، و کوتاه شدن واردات و صادرات انرژی و کالا از هند به آسیای میانه و افغانستان و بالعکس، از جمله موارد مهمی است که هندی ها در ساخت بندی استراتژی های اقتصادی و سیاسی خود برای چابهار دنبال می‌کنند. علاوه بر این چشم انداز حضور نظامی در آسیای میانه و آبهای آزاد و رقابت با چین و کنترل پاکستان از جمله اهداف اساسی هند از تکمیل و سرمایه گذاری در پروژه چابهار است. علاوه بر ظرفیتهای رقابت انگیز چابهار، ظرفیتهای همکاری و صلح نیز در این پروژه وجود دارد. در صورت پیوستن چین به سرمایه گذاری در این پروژه، نقش هند نیز در گسترش ایده چینی یک جاده یک کمربند نیز افزایش پیدا میکند. بندر چابهار می‌تواند باعث اتصال جاده ابریشم به محور ترانزیتی شرق و کریدور شمال - جنوب باشد. در کنار این مسائل پروژه چابهار چالشها و مشکلاتی دارد که از دید سیاستگذاران هندی دور نمانده است. با این وجود، مسئله اصلی نگاه

اقتصادی- امنیتی هند به این پروژه است. محور اساسی این امر دیپلماسی اقتصادی هند در نگاه به چابهار است. هند توانست با لابی گری موفق و با همکاری افغانستان این پروژه را از تحریم های آمریکا معاف کند و همین مسئله اهمیت این بندر را در معادلات استراتژیک سیاست خارجی هند و دیپلماسی آن نشان می دهد. مقاله حاضر ضمن استفاده از چارچوبی اقتصادی، مسائل و منافع اقتصادی و سیاسی هند را در رابطه با بندر چابهار تحلیل می کند و راهبردها و چشم انداز آینده نگرانه هند را نسبت به مسئله چابهار تجزیه و تحلیل می کند.

### دیپلماسی اقتصادی: چارچوب شناسی مفهومی

غالباً وقتی از دیپلماسی سخن به میان می آید، مسائل مربوط به سیاست و سیاست خارجی و... در ذهن متبادر می گردد. کلمه «دیپلماسی»<sup>۱</sup> به مفهوم امروزی حدودی دوستان سال است که وارد زبانهای اروپایی و غیر اروپایی شده است. ریشه لغوی دیپلماسی از کلمه یونانی «دیپلما»<sup>۲</sup> گرفته شده که به معنی کاغذ تاخورد و یا تصدیق و گواهینامه بوده است. در یونان قدیم، دیپلما به معنی گواهینامه ای بود که در پایان یک دوره مطالعاتی به افراد اعطا می شد و معمولاً به صورت یک ورقه تاخورد و بود. (Kerr and Wiseman, 2017:23) دیپلماسی در فرهنگ لغت انگلیسی عبارت است از سیاستمداری، تدبیر، کردانی، فعالیت در مسائل سیاست خارجی و در مفهوم عام و کلی به معنی تدبیر و فن مدیریت بین واحدهای سیاسی و تنظیم و اداره امور بین الملل از راههای مسالمت آمیز مذاکرات سیاسی برای اتحاد، عقد قراردادهای و عهدنامه ها است. دیپلماسی در مفهوم گسترده تر آن مترادف واژه انگلیسی (Tact) به معنی تدبیر و توانایی درک موقعیت و حساسیت اوضاع و احوال، تنظیم گفتار و کردار و آداب معاشرت، با توجه به وضعیت و به بهترین وجه ممکن می باشد. (کازمی، ۱۳۷۸:۱۲۱)

<sup>۱</sup> -Diplomacy

<sup>۲</sup> -Diloma

در زمینه رابطه بین سیاست، دیپلماسی و سیاست خارجی از آنجا که تبیین این رابطه تا حدود زیادی به نوع برداشتها و تعریف از دیپلماسی مربوط می‌شود، توضیح مختصری در این باب ارائه می‌کنیم. به طور کلی همانگونه که برایان وایت نیز در برداشت خود از دیپلماسی اشاره می‌کند، میتوان با توجه به دو چشم انداز عمده در مورد سیاست جهانی، یعنی تصویر درشت یا چشم انداز کلان (Macro Vision) و تصویر ریز یا چشم انداز خرد (Micro Vision) معنای این اصلاح را بهتر درک کرد. (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۷۱۵-۷۱۴) چشم انداز کلان سعی میکند تا معنای سیاست جهانی را به صورت یک کل استنباط کند در حالیکه چشم انداز خرد سعی میکند تا سیاست جهانی را از زاویه دیدی متفاوت اما مکمل و متشکل از بازیگران حاضر در سیاست جهانی تشریح کند. بنابراین اگر بخواهیم دیپلماسی را در هر یک از این چشم اندازها تعریف کنیم به عبارات و نتایج زیر دست می‌یابیم:

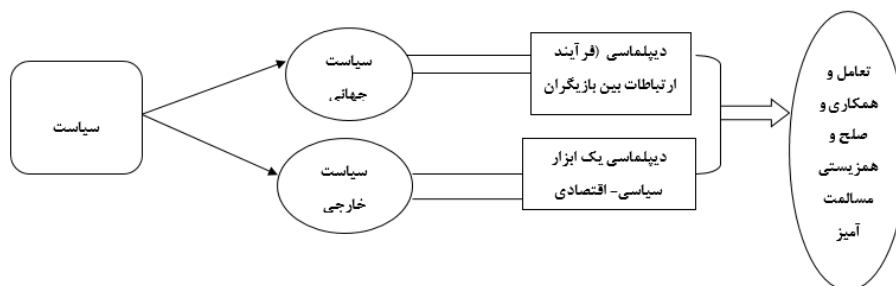
الف- دیپلماسی در سیاست جهانی عبارتست از فرآیند ارتباط بین بازیگران بین‌المللی که قصد دارند از طریق مذاکره، تعارض را بدون جنگ حل و فصل نمایند. این فرآیند که برای کارکرد نظام جهانی ضروری است، در طول قرن‌ها پالایش و نهادینه شده و به صورت حرفه‌ای در آمده است. به عنوان مثال وقتی از دیپلماسی قدرتهای بزرگ، دیپلماسی نشست سران؛ دیپلماسی توسعه و نظایر آن صحبت می‌کنیم، منظور ما کاربرد دیپلماسی به مفهوم عام آن است. (کاظمی، ۱۳۷۸: ۵۵-۵۳)

ب- در چشم انداز خرد، دیپلماسی را می‌توان روش و ابزاری سیاسی و نه فرآیندی جهانی تلقی کرد. در این نگاه، دیپلماسی ابزاری فراهم می‌کند که بازیگران بین‌المللی از آن برای اجرای سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند. این ابزار ممکن است در ارتباط با دیگر طرفها مستقیماً مورد استفاده قرار گیرد که از آن به دیپلماسی محض<sup>۱</sup> یاد می‌کنند یا به عنوان وسیله‌ای برای اعلام استفاده یا تهدید به استفاده از دیگر ابزارها مورد استفاده قرار

<sup>۱</sup> - Pure Diplomacy

گیرد که به آن دیپلماسی مختلط<sup>۱</sup> می گویند. پس به طور کلی، دیپلماسی در ارتباط با سیاست خارجی یکی از ابزارهای سیاسی است که احتمالاً همراه با دیگر ابزارها مانند نیروی نظامی، بازیگران بین المللی (مثل دولت‌ها) را قادر می سازد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۷۱۶) در چشم انداز خرد، کلمه دیپلماسی دارای دو مفهوم است. اول اینکه این واژه به صورت کلمه ای مترادف سیاست خارجی استعمال می گردد. دوم به عنوان یک اسم جمع برای کارگزاران و مقامات رسمی یک مملکت که مسئولیت اجرای تصمیمات مربوط به سیاست خارجی را دارا می باشند، به کار برده می شود. در نتیجه این مفهوم دوگانه دیپلماسی موید وجود دو جنبه سیاست خارجی است: یکی تدوین و دیگری اجرای آن در یک کشور. تنظیم و تدوین سیاست خارجی از جمله مسئولیتهای یک دولت است، بدین معنی که قانون اساسی مدون و یا غیر مدون یک کشور اختیارات و تکالیفی را برای هدایت سیاست خارجی آن در رابطه با دولت‌های دیگری تفویض می نماید. با توجه به تعاریف ارائه شده در دو چشم انداز سیاست (یعنی سیاست جهانی و سیاست خارجی) می توان نمودار زیر را ترسیم کرد.

شکل ۱- چشم انداز سیاست



دیپلماسی اقتصادی در دهه های اخیر به ابزاری مهم در روابط خارجی کشورها به منظور استفاده از فرصتهای دو جانبه و چند جانبه و همچنین مزیت‌های اقتصاد جهانی در جهت تامین منافع ملی تبدیل شده است. دیپلماسی اقتصادی موضوعی است که اساساً در دوران

<sup>۱</sup> Mixed Diplomacy

پس از جنگ سرد و با گسترش فرآیند جهانی شدن در چارچوب «فضای جریانها» مطرح شده و امروزه به عنوان یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند کنش در فضای بین‌الملل در برابر دیپلماسی سنتی قرار گرفته است. اساس شکل‌گیری دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر کاستی‌های دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تامین منافع بازیگران دولتی و غیردولتی عرصه بین‌الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چندوجهی اقتصاد جهانی است (Moons and Van Bergeijk, 2009, 37-38)

از منظری کلان، دیپلماسی اقتصادی در معنای عام خود بهره‌گیری از ابزارهای مختلف اقتصادی برای تاثیرگذاری بر رفتار طرفهای خارجی جهت تأمین منافع ملی در سطوح دو جانبه و چندجانبه است. (Cowan and Cull, 2008: 44-45) دیپلماسی اقتصادی به آن بخش از فعالیتهای اقتصادی در روابط خارجی یک دولت اطلاق می‌شود که مبتنی بر راهبرد شناسایی و ایجاد فرصتهای اقتصادی به ویژه در بعد صادراتی، به منظور استفاده از فرصتها و مزایای اقتصاد جهانی است. هنگامی که از دیپلماسی به طور عام و دیپلماسی اقتصادی به طور خاص صحبت به میان می‌آید، اساساً رویکرد خارجی مورد اشاره قرار دارد. از این منظر، دیپلماسی اقتصادی سه هدف عمده را مورد توجه قرار می‌دهد:

- ۱- دسترسی به بازارهای جهانی<sup>۱</sup>
  - ۲- جذب سرمایه‌های خارجی<sup>۲</sup> (به طور مستقیم و غیرمستقیم - دو جانبه و چندجانبه)
  - ۳- حفظ اقتصاد ملی در مقابل چالشهای اقتصاد جهانی<sup>۳</sup> (Bayne and Woolcock, 2016: 34)
- در عصر جهانی شدن، به انجام رسیدن برنامه‌های توسعه ملی، منوط به تعامل سازنده میان توسعه ملی/ داخلی با روندها و جریانهای اصلی جهانی است. با توجه به این توضیحات، دیپلماسی اقتصادی با موضوعات سیاسی - اقتصادی پیوند خورده است. دیپلماتهای فعال در این حوزه در نهادها و سازمانهای بین‌المللی همچون

<sup>۱</sup> -Market Access

<sup>۲</sup> -Foreign Investment

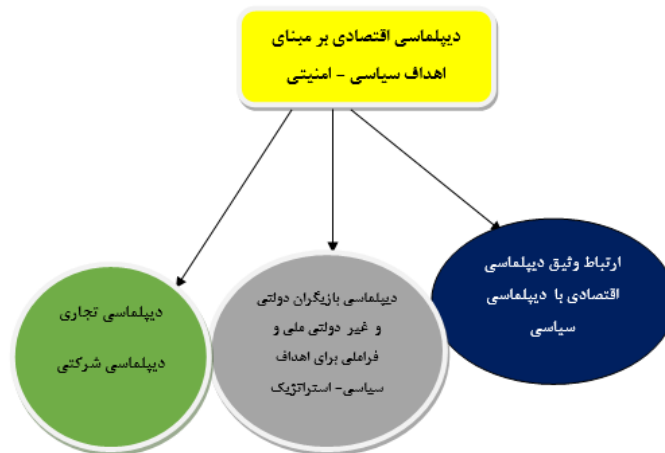
<sup>۳</sup> -Self Protection

سازمان تجارت جهانی فعالیت دارند. (Rana, 2011:30) آنها در طول فعالیتهای خود اقدامات زیادی را انجام می دهند. از جمله اینکه سیاستهای اقتصادی خود را در کشورهای خارجی کنترل و گزارش می دهند، به حکومتها و نمایندگیهای داخلی خود توصیه های لازم را می نمایند که چگونه می توانند تاثیرگذاری بیشتری را داشته باشند. دیپلماسی اقتصادی همچنین منابع اقتصادی را هم به عنوان مجازات اقتصادی و یا پاداشتهای اقتصادی در تعقیب اهداف ویژه اقتصادی سیاست خارجی به کار می برند (Saner and Yiu, 2003:14) که کاربرد دیپلماسی به عنوان ابزاری برای تشویق و یا تهدید در عرصه اقتصاد بین الملل را می توان اقتصاد ابزاری در دستان دولت نامید. دیپلماسی اقتصادی ابزاری برای سیاست خارجی محسوب می شود. به طور خاص دیپلماسی اقتصادی مرتبط با بکاربردن تواناییهای مادی از جمله تکنولوژی و پول و مذاکرات در مورد مسائل سیاسی با ابعاد اقتصادی از قبیل توافقات تجاری دو جانبه و چند جانبه در تعقیب منافع ملی است. در این ارتباط دیپلماسی اقتصادی را می تواند دو معنا از آن برداشت نمود. ۱- دیپلماسی مرتبط با موضوعات سیاسی- اقتصادی است. ۲- دیپلماسی، منابع اقتصادی را هم به عنوان پاداش به کار می گیرد و هم به عنوان مجازات برای تامین اهداف سیاست خارجی. در واقع دیپلماسی اقتصادی در کنار کاربرد در سیاست خارجی برای تامین اهداف سیاست داخلی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. دیپلماسی اقتصادی تنوعی از ابزار که هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم در تعاملات دیپلماتیک میان بازیگران بکار گرفته می شود. این امر در مواردی همچون سیاست هویج و چماق نیز گنجانیده می شود. همانطور که اشاره گردید در تقسیم بندی که از دیپلماسی با موضوعات اقتصادی در عصر جهانی شدن به عمل آمد، دیپلماسی اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و با سطح بالای تعاملات تجاری به شاخه های تخصصی و جزئی تر نیز تقسیم گردیده است. لذا دیپلماسی اقتصادی مفهومی عام بوده که تمامی موضوعات اقتصادی سیاسی میان کشورها را در

برمی‌گیرد. (Spies, 2019: 30-32) به عبارت دیگر دیپلماسی اقتصادی و بازرگانی به عنوان دو مفهوم پیوندهای زیادی با هم دارند. هر چند جایگاه دیپلماسی اقتصادی همچون دیپلماسی بازرگانی است، اما به طور کامل یکی نیستند، بلکه دیپلماسی بازرگانی دارای چشم انداز محدودتری از دیپلماسی اقتصادی است و دیپلماسی اقتصادی نگاه کلان تری به تعاملات اقتصادی دولت‌ها با دیگر دولت‌ها دارد.

با وجود تعاریف و تقسیم بندی هایی که از دیپلماسی اقتصادی صورت گرفته است، دیپلماسی اقتصادی را می‌تواند اینگونه تعریف نمود: «تمامی فعالیتها و استراتژی‌ها و ابتکارات فعال اقتصادی-سیاسی دولتی و غیر دولتی که در سیاست خارجی کشورها در دو سطح ملی و بین‌المللی با هدف دستیابی و حضور در عرصه اقتصاد جهانی و جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات برای عرصه داخل بکار گرفته می‌شود» را می‌توان دیپلماسی اقتصادی تعریف نمود. به عبارت دیگر دیپلماسی اقتصادی موضوعات سیاسی اقتصادی را در بر می‌گیرد که برای تامین منافع ملی کشور در عرصه بین‌الملل بکار گرفته می‌شود. حتی ممکن است در برخی مواقع از دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزار تشویق و ترغیب یا مجازات اقتصادی دیگر بازیگران دولتی و غیر دولتی تحت عنوان اقتصاد ابزاری در دستان دولت بکار گرفته شود. (Pigman, 2016: 102)

شکل ۲- نمودار ارتباط دیپلماسی اقتصادی با منافع ملی و اهداف سیاسی امنیتی





بر همین اساس و با توجه به تعاریف بالا هند در هر یک از حوزه های دیپلماسی اقتصادی بسیار فعال بوده و توانسته است در نقاط مختلف دنیا، دیپلماسی اقتصادی خود را به طرق گوناگون فعال کند. دیپلماسی اقتصادی هند در مناطق مختلف دنیا هم به صورت دولتی و هم غیر دولتی بوده است. پروژه های عظیم دیپلماسی اقتصادی هند در مناطق مختلف دنیا را دولت این کشور بقیه پروژه ها را اشخاص و شرکتهای خصوصی به دست می گیرند. از جمله پروژه های بزرگی که می توان آن را در غالب دیپلماسی اقتصادی هند تحلیل کرد، پروژه بزرگ بندر چابهار است. اقتصاد پیشرفته هند و کمبودهای استراتژیکی:

هند با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر، وسعتی پهناور و با یک دهه رشد اقتصادی بالای هشت درصد، پیشرفت گسترده در زمینه فناوری اطلاعات و IT، نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی، و عضویت در باشگاه هسته ای از پتانسیل بالایی برا تبدیل شدن به قدرتی جهانی برخوردار است. اگر چهار مولفه جمعیت، وسعت سرزمین، قدرت نظامی و مصرف انرژی را شاخصه های قدرت منطقه ای به حساب آوریم، هند تمامی این مشخصات را دارد. از نظر ملزومات توسعه و در رابطه با سیاست خارجی، هند امروزه بزرگترین قدرت در منطقه آسیای جنوبی است و از بنیانگذاران سازمان همکاری منطقه ای آسیای جنوبی (سارک)<sup>۱</sup> به شمار می آید که بزرگترین سازمان منطقه ای در جهان از نظر تعداد جمعیت است. این کشور همچنین از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد در دوران جنگ سرد است و در سیاست خارجی خود نیز برای دهه ها از این چارچوب بهره گرفته و به حمایت از کشورهای مستعمره برای کسب استقلال پرداخته است. این امر موجب شده که هندوستان از جایگاه و اهمیت ویژه ای در بین کشورهای جهان سوم و در حال توسعه برخوردار باشد و در نشست ها و مجامع بین المللی از کشورهای پیشرو در احقاق حقوق کشورهای ضعیف تر به شمار آید. تا سال ۲۰۱۰، ۵۵ هزار نفر از نیروهای ارتش هند در ۳۵ ماموریت صلح بانی سازمان ملل در چهار قاره جهان شرکت کرده بودند. (Ganguly, 2012: 30-38) امروزه هندوستان

<sup>۱</sup> - SAARC

نه تنها به عنوان یک قدرت هسته ای در منطقه جنوب آسیا، از اهمیت نظامی ویژه ای برخوردار است، بلکه سومین ارتش بزرگ جهان از نظرات تعداد نفرت و دهمین ارتش بزرگ جهان از نظر میزان تجهیزات، چهارمین نیروی هوای و پنجمین نیروی دریایی جهان را داراست و علاوه بر این دومین کشور بعد از آمریکا است که می تواند تصویرهای ماهواره ای را با قابلیت تفکیک پذیری نشان دهد. برخوردهای نظامی میان این کشور و دو همسایه مهم آن، یعنی چین و پاکستان طی سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۱، مهمترین عامل در گسترش توانمندی های نظامی این کشور به شمار می رود. (Bajpai and Pant, 2013: 97-110)

از آنجا که اختلافهای مرزی و عقیدتی میان هند و همسایگان همچنان پابرجاست، این امر موجب شده است که این کشور در سالهای اخیر به دومین وارد کنند تسلیحات نظامی در جهان بدل شود. هند در بودجه دفاعی در نرخ بازار ارز رتبه یازدهم را داراست و نیز یکی از شش قدرت هسته ای جهان به شما می رود که با توافقنامه هسته ای اخیری که با آمریکا به صورت دو فاکتو امضا کرده، عضو باشگاه هسته ای جهان شده است. طبق گزارش سازمان سیا، وقتی کشورها بر اساس قدرت ملی رتبه بندی می شوند که وزن آنها از ترکیب GDP (هزینه دفاعی، جمعیت و رشد تکنولوژی) محاسبه شود؛ از این منظر هند تا سال ۲۰۱۵، بعد از آمریکا، اتحادیه اروپا و چین، چهارمین قدرت دنیا معرفی خواهد شد که قادر به تجمیع مولفه های قدرت خواهد بود. این گزارش نشاندهنده قدرت بالا و روز افزون هند در حوزه نظامی است. (دهقان و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۱) در همان حال، اگر چه هند به عنوان ششمین قدرت هسته ای جهان به رسمیت شناخته شده، اما این کشور تاکنون از امضای پیمان منع گسترش هسته ای<sup>۱</sup> و نیز پیمان منع انجام آزمایش هسته ای<sup>۲</sup> سر باز زده است. برنامه های اعمال تحریمهای بین المللی علیه سیاست های هسته ای این کشور نیز به همت راهبردهای موثر سیاستمداران هندی، به تدریج کنار گذاشته شده اند. هند تا آنجا پیش رفته که توانسته است در سالهای اخیر همکاری های اقتصادی، استراتژیک و نظامی خود را

---

<sup>۱</sup> -NPT

<sup>۲</sup> -CTBT

با ایالات متحده و اروپای غربی گسترش دهد. نمونه آن را می توان در امضای توافقنامه همکاری هسته ای این کشور با آمریکا در سال ۲۰۰۸ دید. امروزه علیرغم اختلاف نظرها پیرامون موضوع های مختلف، مهمترین طرفهای تجاری هند در امر صادرات، کشورهای امارات متحده عربی، آمریکا و چین هستند. مهمترین طرفهای تجاری در امر واردات به هند نیز کشورهای چین، آمریکا و عربستان هستند. (Tellis,2020) در مجموع، چین- با ورود اختلافهای سیاسی و سرزمینی میان دو کشور- مهمترین شریک بازرگانی هند به حساب می آید. همچنین در دوران پس از جنگ سرد، این کشور در قالب سیاست نگاه به شرق همکاری های نزدیک اقتصادی با کشورهای عضو آسه آن<sup>۱</sup> در جنوب شرق آسیا و ژاپن و کره جنوبی در شمال آسیا برقرار کرده است. (Kondapalli,2010:309-310) از سوی دیگر، به واسطه اجرای برنامه های اقتصادی گسترده، هر چند تولید روزانه نفت در این کشور به ۸۷۰ هزار بشکه رسیده، هندوستان در سال ۲۰۱۹ به سومین مصرف کننده بزرگ نفت در جهان پس از ایالات متحده و چین تبدیل شده است و با واردات ۴,۳۴ میلیون بشکه نفت در روز، تقریباً ۷۰ درصد نفت خام مصرفی خود را وارد می کند. (U.S Energy information administration,2019) این امر موجب شده است که در سالهای اخیر هندوستان توجه ویژه ای به گسترش روابط خود با کشورهای تولید کننده انرژی داشته باشد. در حدود ۷۰ درصد نفت وارداتی هند، از منطقه خلیج فارس است. بر اساس آمار سال ۲۰۱۹، عراق ۴۶ درصد، عربستان ۳۶ درصد، ایران ۲۳ درصد، کویت ۱۰ درصد، امارات ۱۷ درصد و سایر کشورهای منطقه بقیه نفت مورد نیاز این کشور را تامین می کنند. در این سالها هندوستان نه تنها تلاش کرده است و رابطه سیاسی خود را با کشورهای این منطقه گسترش دهد، بلکه شرکتهای نفتی هندی نیز در بخش سرمایه گذاری در صنایع انرژی این کشورها و نیز سایر کشورهای تولید کنند انرژی فعال بوده اند و در کشورهایی مانند روسیه، ایران، عراق، سودان، برزیل، ویتنام، برمه و کلمبیا سرمایه گذاری کرده اند. (Abdi,2019)

---

<sup>۱</sup> -ASEAN

حضور گسترده نیروی کار هندی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز موجب شده است که هند پایگاه اقتصادی و جایگاه فرهنگی مستحکمی برای خود در این منطقه بنا کند. (کولایی و تیشه یار، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۱) هند همچنین با چین روند رشدی، با آمریکا، چین، و ژاپن رقابت شدید و تنگاتنگی را برای دستیابی هر چه بیش تر به منابع نفت و گاز خاورمیانه آغاز کرده است. هند که طی سال های اخیر با افزایش رشد اقتصادی روبه رو شده، تلاش زیادی را برای تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی خود با کشورهای منطقه خاورمیانه آغاز کرده است. هند در سال ۲۰۱۹ سومین واردکننده بزرگ نفت جهان به شمار می رفت و این کشور طی سال گذشته بیش از ۹۳۰ میلیون بشکه نفت وارد کرده که این رقم نسبت به سال قبل از آن ۱۸ درصد رشد داشته است. هند در حال حاضر ۷۲ درصد نفت مورد نیاز خود را از خاورمیانه وارد می کند. (Prasad, 2019) به علاوه وابستگی اقتصاد هند به واردات حامل های انرژی به ویژه نفت خام و گاز طبیعی، موجب شده است این کشور در عرصه روابط خارجی خود با برخی کشورها دچار مشکلاتی شود. واردات گاز طبیعی از ایران که دومین دارنده منابع گاز در جهان می باشد و روزگاری نه چندان دور در همسایگی هند نشسته بود، امروزه به مشکلی در سیاستگذاری خارجی هند در بخش انرژی تبدیل شده است. فشارهای بین المللی علیه ایران سبب شده است که هند نتواند در این سالها طرح ساخت خط لوله انتقال گاز از ایران از مسیر پاکستان را اجرایی کند. هراس هند از تبدیل این خط لوله به برگی برنده در دست پاکستان نیز در به تاخیر افتادن اجرای این طرح بی تاثیر نبوده است. (بیدالله خانی و جوادی ارجمند، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۹) این امر موجب شده است تاسیس خط لوله انتقال گاز از مسیر ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند نیز قابل اجرا نباشد. به این ترتیب، آینده سرمایه گذاری های برون مرزی در زمینه انرژی و نیز چشم انداز بازارهای واردات انرژی از سوی این گول اقتصادی آسیایی، همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد. (Pant, 2019: 41)

گزارش سرمایه گذاری جهانی کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۹ هند را هشتمین کشور بزرگ جذب کننده سرمایه گذاری معرفی کرده است. (Unctad, 2019) دولت هند در سالهای اخیر دست به اصلاحات گسترده اقتصادی زده و با تسهیل شرایط سرمایه گذاری خارجی پای بسیاری از شرکتهای خارجی را به این کشور باز کرده است. هند در راستای توسعه اقتصادی خود نیازمند جذب سرمایه های خارجی است و با تسهیل شرایط سرمایه گذاری در این کشور توانست میلیاردها دلار سرمایه وارد بخشهای مختلف صنعتی و اقتصادی نماید. در سال ۲۰۱۹ میلادی سنگاپور بزرگترین سرمایه گذار خارجی در کشور هند بوده است. دومین سرمایه گذار بزرگ خارجی در هند کشور ژاپن و سومین کشور امارات متحده عربی است. ارزش سرمایه گذاری امارات در یک دهه اول قرن حاضر برابر با یک میلیارد دلار و ارزش سرمایه گذاری آمریکا برابر با ۱,۴۵ میلیارد دلار اعلام شده است. انگلیس و هلند نیز چهارمین و پنجمین سرمایه گذار بزرگ در کشور هند بودند. گفته می شود این سرمایه های کلان زمینه ساز رشد اقتصادی این کشور شده است و هند در صورتی می تواند در سالهای آینده رشد کند که بتواند همین بستر را برای جذب سرمایه ها فراهم آورد. (National investment promotion of Indian government, 2019)

هند در تلاشهای خود برای جذب سرمایه خارجی به موفقیت های بزرگی دست یافته است. این کشور در سال ۲۰۰۲ از نظر درصد کلی سرمایه خارجی در جهان در مقام پانزدهم قرار داشت؛ اما در سال ۲۰۱۹ به سرعت به جایگاه هشتم رسید. در سال ۲۰۱۸، مجمع اقتصادی جهانی ده کشور را با بیشترین ظرفیت سرمایه گذاری معرفی کرده که هند در فهرست پس از آلمان، و بالاتر از فرانسه در رتبه نهم دنیا قرار گرفته است. (McPhillips, 2019) این ارزیابی بر اساس بررسی های جداگانه از ده نمایه شامل حجم کلی سرمایه گذار خارجی جذب شده در کشورها طی سه سال گذشته، سیاستهای سرمایه گذاری، فضای سرمایه گذاری، ظرفیت توسعه، چگونگی فعالیتهای اقتصادی، چگونگی فضای اقتصادی کلان،

<sup>1</sup> -United Nations Conference on Trade and Development

توانایی اجرایی دولت، اطمینان سرمایه‌گذاری برنامه ریزی در مورد درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری و رقابت ملی و فراگیر و مقایسه همه این موارد با هم انجام گرفته است. علاوه بر این در دیپلماسی اقتصادی هند، کمکهای خارجی نقش مهمی دارد. با توجه به کشورهای آسیای جنوبی و دیگر نقاط دنیا، بانک اعتباری توسعه واردات و صادرات هند با کمک وزارت خارجه، پروژه‌های بلند مدت مختلفی را برای کشورهای آفریقایی و آسیای جنوبی تعریف می‌کند که در راستای افزایش نفوذ هند و دیپلماسی کمکهای بین‌المللی می‌باشد. (Bairagi, 2017:285) هند در طرحهای بزرگ این کشورها مشارکت می‌کند و شروع به خریداری سهام شرکتها و بازار این کشورهای فقیر می‌کند تا اقتصاد آن را بتواند به دست گیرد. علاوه بر این کمکهای غذایی و بشر دوستانه نیز بخشی از دیپلماسی کمک‌های بین‌المللی هند می‌باشند. (Ministry of External Affairs, Govt. of India, 2019) هند در سال ۲۰۵۰ دارای جمعیتی خواهد بود که مشارکتی جدی در اقتصاد جهان خواهد داشت. سرمایه‌داران بزرگ ارتباطات جهانی برای وارد شدن به بازار هند با یکدیگر رقابت می‌کنند. در دسامبر ۲۰۰۵ بیل گیتس از طرح سرمایه‌گذاری ۱,۷ میلیارد دلاری هند پرده‌گشود. در پی آن اینتل تولیدکننده معروف اجزای کامپیوتر اعلام کرد که به منظور تاسیس مرکز تحقیق و توسعه و شرکت بزرگی در هند، یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خواهد کرد. بزرگترین تولیدکننده تجهیزات شبکه ای جهان (Cisco System) نیز تصمیم خود را مبنی بر افزایش سرمایه‌گذاری تا سقف ۱,۱ میلیارد دلار در این کشور اعلام کرد. اکنون پیش‌بینی‌های مان موهان سینگ مبنی بر دست یافتن به رشد دو رقمی به واقعیت نزدیک شده است، زیرا رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۲۰، به ۷,۳ درصد رسیده است که آن را در رتبه پنجم دنیا قرار داده است. (Silver, 2020) پیدایش طبقه متوسط قوی در هند اقتصاد این کشور را در شرایط رو به بهبود نگه می‌دارد. این طبقه موتور رشد اقتصاد توقف‌ناپذیر هند است. اقتصاد هند طی یک دهه، از اقتصاد بریتانیای کبیر و طی بیست سال از اقتصاد ژاپن بزرگ‌تر خواهد شد. (Sridharan, 2020: 158)

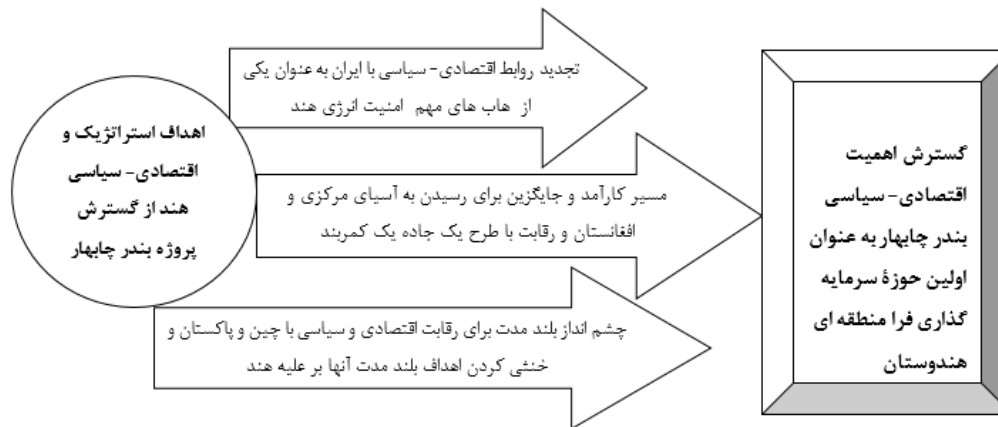
### چابهار و اهداف اقتصادی هند: ترکیب ژئواکونومیک دریایی و دیپلماسی اقتصادی

در طول دهه گذشته شاهد رقابتهای گسترده ای برای ساخت بنادر استراتژیک در اقیانوس هند بوده ایم و دو کشور چین و هند بیشترین حوزه رقابتی را در این زمینه داشته اند تا نفوذ منطقه ای خود را گسترش دهند. بندر چابهار از جمله مولفه های مهمی است که به مرور به محل رقابت منطقه ای هند با رقبای منطقه ای آن تبدیل شده است. چابهار به عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران، یک شهر ساحلی بزرگ در منطقه سیستان و بلوچستان، در کنار خلیج عمان و دهانه تنگه هرمز قرار دارد. اهمیت استراتژیک و ارزش اقتصادی آن توجه بسیاری از کشورها را به خود جلب کرده است؛ با این حال، هند سریع ترین راه برای تضمین قرارداد توسعه این بندر بوده است. هند چند هدف راهبردی را از طریق توسعه بندر چابهار در کوتاه مدت دنبال می کند. هند قصد دارد روابط نفتی خود را با ایران دوباره بسازد و در دراز مدت با هدف ایجاد یک مسیر تجاری کارآمد، چیزی شبیه به کمربند اقتصادی جاده ابریشم<sup>۱</sup> چین را در این زمینه پیاده کند. ایران انتظار دارد که از این معامله بیش ترین سود را ببرد چون می تواند مجدداً به جامعه جهانی بپیوندد و از تحریم های فلج کننده که بر آن اعمال شده است رهایی یابد.

یکی دیگر از سهامداران مهم در این پروژه، افغانستان است. افغانستان به دنبال تجدید روابط با هند و وابستگی کمتر به پاکستان از نظر تجاری- سیاسی است. (Kaushik, 2019:254) شکل زیر اهداف استراتژیک هند را از پروژه گسترش بندر چابهار نشان می دهد. این ایده ها و اهداف، مبانی اصلی سیاستگذاری امنیتی-اقتصادی هندوستان در سند آینده پژوهانه توسعه بندر چابهار در بلند مدت است. (Kumar, 2016:19-29)

<sup>۱</sup> - One road one belt initiative

## شکل ۳- اهداف اصلی هند از گسترش پروژه چابهار



در ماه می سال ۲۰۱۶، نخست وزیر هند نارندرا مودی<sup>۱</sup> توافقنامه ای با ایران امضا کرد که به هند امکان توسعه دو ترمینال بندر چابهار را داد. یکی از مهم ترین قراردادهای توافقنامه ترانزیت سه جانبه امضا شده توسط افغانستان، هند، و ایران است که به کالاهای هندی اجازه می دهد تا از طریق ایران به افغانستان برسند. افغانستان در کنار ایران و هند از جمله سهامداران اصلی پروژه چابهار است. اهمیت بندر چابهار برای سیاستگذاران امنیتی جمهوری اسلامی نیز مهم بوده است. از جمله دلایل این امر اهمیت یک بندر راهبردی به دور از خلیج فارس و کشورهای عربی است. (Daniels, 2013:95) بر همین اساس ایران از دهه ۱۹۹۰ پیمانکاران هندی را برای شروع کار در بندر چابهار استخدام کرد. بعد از مشورت های بسیار، پیمانکاران هندی تصمیم گرفتند که جنوبی ترین شهر ساحلی ایران، چابهار، مکان بهینه ای برای ساخت یک بندر است. در سال ۲۰۰۳، نخست وزیر وقت هند آتول واژپای<sup>۲</sup>، قراردادی را با ایران برای تمدید پروژه بندر چابهار امضا کرد. دلیل این که چرا هند این معامله را رسمی کرد به طور عمده استراتژیک بود. پاکستان دسترسی هند به افغانستان

<sup>۱</sup> - Narendra Modi

<sup>۲</sup> - Atul Vajpayee



از جمله توانایی ارسال تدارکات به کابل را در مواقعی دشوار می کرد و از این حربه به مثابه عامل چانه زنی استفاده می کرد. هند با ساخت جاده ای از زرنج، در مرز افغانستان و ایران، به ناحیه دلارام در خاش به این موضوع واکنش نشان داد و به شهر کابل از جنوب غربی افغانستان دسترسی پیدا کرد (شکل ۴) اما هنوز هند به یک بندر صادراتی اصلی نیاز داشت. راه حل اصلی چابهار بود.



شکل ۴: نقشه ایران و افغانستان که بزرگ راه دلارام-زرنج را نشان می دهد.

منبع: دلارام - زرنج، همکاران OpenStreetMap، <http://osm.org/go/zPCi>.

در سال ۲۰۰۴، یک شرکت متشکل از شرکت های ساختمانی هندی که متعلق به شرکت خودرو سازی و خدمات پروژه آشوک لیلاند<sup>۱</sup> بود، برای توسعه چابهار با ایران به توافق رسیدند. با این حال، در حالی که پروژه جاده دلارام-زرنج به سرعت تکمیل می شد، معامله بندر چابهار به دلیل تحریم های هسته علیه ایران در سال ۲۰۰۹ متوقف شد و در نهایت از هم

<sup>۱</sup> - Ashok Leyland

باشید. (Amirthan,2017:88) با روی کار آمدن مودی، پروژه بندر چابهار بار دیگر مورد توجه سیاستگذاران امنیتی و خارجی هند قرار گرفت.

با وجود وقفه‌های پی‌درپی در توسعه بندر چابهار، همانطور که پیش‌تر گفته شد، مودی نخست‌وزیر هند یک قرارداد جدید در این زمینه با ایران امضا کرد. این قرارداد به لنگرگاه‌ها اجازه می‌دهد تا به مدت ۱۰ سال توسط سازمان بنادر جهانی هند اداره شوند. این قرارداد یک سرمایه‌گذاری مشترک بین شرکت سرمایه‌گذاری بندری جواهر لعل نهرو و کاندلا<sup>۱</sup> با همکاری با شرکت توسعه و سرمایه‌گذاری بنادر آریای ایران است و بر مبنای آن قرار شد تا این شرکتها در طی ۱۸ ماه در حدود ۸۵ میلیون دلار در بخشهای مختلف بندر چابهار سرمایه‌گذاری کنند. (Mitra,2019:49) به موجب این قرارداد، سازمان بنادر جهانی هند یک تاسیسات حمل و نقل با ۶۴۰ متر مربع را تعمیر و بازسازی خواهد کرد و یک ساختمان ۶۰۰ متری از تاسیسات حمل و نقل را در بندر چابهار راه‌اندازی خواهد کرد. پس از تکمیل کارهای ارتقا، توافق شده تا در ماه مه سال ۲۰۱۹ ظرفیت چابهار به ۸ میلیون تن از ظرفیت ۲٫۵ میلیون تن سال ۲۰۱۵ افزایش پیدا کند. تعهدات هند نسبت به افزایش زیرساخت‌ها برای توسعه بندر چابهار و اطراف آن می‌تواند به میزان ۶۳۵ میلیون دلار به ازای توافق دو جانبه امضا شده در ماه می ۲۰۱۶ با موافقت طرفین افزایش یابد.

در یک چشم‌انداز رقابتی برای هند، در حالی که هند آماده است تا ۶۳۵ میلیون دلار در پروژه بندر چابهار سرمایه‌گذاری کند، چین ۲۴۸ میلیون دلار در فاز ۱ از بندر گوآدار (یک بندر آبی عمیق در پاکستان) سرمایه‌گذاری کرده است و قصد دارد در فاز ۲ پروژه بندر گوآدار مبلغ ۱٫۰۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کند. به عنوان یک نتیجه مستقیم از سرمایه‌گذاری عظیم توسط چین، بندر گوآدار دارای ۱۳ اسکله است و ظرفیت آن را دارد تا حمل و نقل و لجستیک کالا را تا سقف ۳۵۰٫۰۰۰ تن افزایش دهد. بندر گوآدار بدون شک بندر برتر از نظر تجارت در منطقه سیستان و بلوچستان است. (Dorsey,2019:143-144) با این حال، از

<sup>1</sup> -Jawaharlal Nehru Port Trust and Kandla Port Trust

زمانی که هند تصمیم گرفته در چابهار سرمایه گذاری کند، چینی ها به این پروژه وارد نشدند و انتظار نداشتند تا هند بندری را بسازد که از نظر ظرفیت نسبت به بندر گوادر برتری داشته باشد. با توجه به مسائل ایران و جهان غرب و وضعیت بی ثبات سیاست خارجی ایران، چین گمان نمی برد تا هند ریسک سرمایه گذاری گسترده در بنادر ایران را بپذیرد. انرژی از دیگر دلایل مهم هند برای توسعه بندر چابهار است. پیش از تحمیل تحریم های تجاری و اقتصادی بر ایران در سال ۲۰۰۶، ایران دومین تامین کننده نفت هند بود. پس از اعمال تحریم، تمام معاملات متوقف شد و همکاری تجاری هند با ایران کاهش پیدا کرده است. در زمان برداشته شدن تحریمهای ایران بعد از توافق هسته ای، هند و ایران با بازکردن ۶,۴ میلیارد دلار خط اعتباری برای تجارت مستقیم، به توافقات بزرگی دست یافته بودند.

در راهبردهای نخست وزیر هند مودی، ایران نقش مهمی در منطقه بازی می کند و بر همین اساس می تواند شریک مهمی برای هند باشد. مودی در نشست دو جانبه در ماه می سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که به دنبال "دو برابر کردن واردات نفت از ایران است. آقای مودی اعلام کرده است که هند به طور متوسط در طول ۱۰ سال آینده تقریباً ۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز نفت از ایران وارد می کند. در مارس ۲۰۱۶، صادرات نفت خام ایران به هند از ۲۹۰,۰۰۰ تا ۵۰۵,۰۰۰ بشکه در هر روز رسیده است. علاوه بر این، پس از شش سال وقفه، در سال ۲۰۱۵ شرکت عظیم نفت هند<sup>۱</sup> محموله چگالی نفتی تولید شده در میدان نفتی فروزان ایران را خریداری کرد. این یک جهش بزرگ در روابط ایران و هند بود چرا که هند قادر به واردات نفت با قیمت بسیار ارزان تر از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و دیگر تامین کنندگان نفت شد. این قیمت حتی پس از ساخت چابهار به عنوان پل میانبر به هند، هزینه های حمل و نقل را به میزان قابل توجهی کاهش خواهد داد. (Sing and Singh, 2019:173)

<sup>۱</sup> - Reliance Petroleum

### راهبردها و آینده نگرسی سیاسی - امنیتی هند در پروژه بندر چابهار: تلفیق امنیت با اقتصاد

علاوه بر عوامل مربوط به امنیت انرژی، دلایل استراتژیک بسیاری وجود دارد که چرا هند تصمیم گرفته است در چابهار سرمایه گذاری کند. هند یکی از متحدان مهم افغانستان به دلیل اهمیت استراتژیک آن بوده است. کشور افغانستان، در گذشته مرکز رقابت و استراتژی "بازی بزرگ"<sup>۱</sup> بین پادشاهی بریتانیا و تزار روسیه بوده است. افغانستان همچنین نقش حیاتی در جنگ سرد ایفا می کرد، چرا که آمریکا سعی کرد از ورود این کشور به حوزه نفوذ شوروی جلوگیری کند. در حال حاضر هند و پاکستان هر دو برای نفوذ در افغانستان رقابت می کنند. در نتیجه پاکستان به هند اجازه تجارت آزادانه با افغانستان را نمی دهد. هند مایل است افغانستان را هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی مستقل از پاکستان ببیند. (Banerjee, 2016, afghanistantimes.af) بندر چابهار راهی برای تجارت هند با افغانستان است. همان طور که قبلا هم ذکر شد، هند یک جاده ۲۱۸ کیلومتری از دلارام تا زرنج ایجاد کرده است. هند در حال حاضر در نظر دارد این جاده را به بندر چابهار متصل کند و کالا را از طریق این مسیر تحویل دهد. فاصله بین بندر کاندلا<sup>۲</sup> در گجرات هند و بندر چابهار تقریباً ۱۰۰۰ کیلومتر و فاصله بین بمبئی و دهلی ۱۴۰۹ کیلومتر است. بنابراین تحویل کالا به افغانستان از طریق بندر چابهار و جاده دلارام - زرنج احتمالاً کارآمدتر است. از آنجا که پاکستان نتوانسته است با مشکل دیرینه طالبان در منطقه جنوب افغانستان و شمال پاکستان مقابله کند، رابطه آن با افغانستان تیره شده است. (Ali, 2016) افغانستان از این پروژه بهره می برد زیرا می تواند روابط تجاری خود با هند را گسترش دهد و برای اهداف تجاری کم تر وابسته به پاکستان باشد. در کوتاه مدت، هند از رابطه دوباره خود با افغانستان سود خواهد برد زیرا هند می تواند منابع معدنی افغانستان را با هزینه کمتر و به صرفه از طریق چابهار وارد کند.

<sup>۱</sup> - The Great Game

<sup>۲</sup> - Kandla port

با این حال، هدف بلندمدت هند برای پروژه چابهار، گسترش پروژه کریدور ترابری شمال و جنوب<sup>۱</sup> (NSTC) است که هنوز در مرحله توسعه ابتدایی قرار دارد. در نگاه امنیتی - اقتصادی آینده نگرانه هند و از بعد دیپلماسی اقتصادی و ناسیونالیسم هندی، چابهار بخشی کوچک از پروژه کریدور ترابری شمال و جنوب است. این طرح یکی از ابعاد استراتژی امنیتی بلند پروازانه هند برای جهش اقتصادی و سیاسی و مقابله با طرح یک جاده یک کمربند چین است. هند می تواند از طریق شرق و غرب ایران و برای ارتباط تجاری با روسیه و اروپا به پروژه NSTC بپیوندد. این امر بوسیله دولت های بالتیک می تواند امکان پذیر باشد. همانطور که در نقشه زیر مشاهده می کنید، هند از طریق ایران با صرف هزینه کمتر می تواند به اروپا راه یابد. خط قرمز مسیر کریدور شمال - جنوب را نشان میدهد و خط آبی مسیر طبیعی است که هزینه های هند را بسیار بیشتر می کند.



شکل ۵: مسیر کریدور شمال به جنوب: North South Transport Corridor (NSTC)

[https://commons.wikimedia.org/wiki/File:North\\_South\\_Transport\\_Corridor\\_\(NS\).jpg](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:North_South_Transport_Corridor_(NS).jpg)

<sup>۱</sup> -North - South Transport Corridor (NSTC)

طبق مطالعات مربوط به پروژه NSTC، این مسیر زمان حمل و نقل را تا ۶۰ درصد و هزینه حمل و نقل را تا ۵۰ درصد کاهش می‌دهد. مسیرهای تجاری زمینی نیز، تجارت با اقتصادهای غنی انرژی آسیای میانه را تسهیل خواهد کرد. (Roy,2012:990) هند چهارمین مصرف کننده بزرگ انرژی جهان است و دسترسی به ذخایر فراوان گاز ترکمنستان و قزاقستان به رفع نیاز روزافزون آن به انرژی کمک خواهد کرد. هند هم اکنون دارای فرصت‌های صادرات کوچک در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، فروش دارو و فن آوری اطلاعات است، اما مسیر زمینی فرصت‌های جدیدی برای صنایع تولیدی سنگین و ساخت و ساز، فراهم خواهد کرد. کریدور شمال-جنوب تنها پروژه بزرگ مقیاسی نیست که هند از طریق آن به دنبال توسعه چابهار است. هند همچنین در نظر دارد که یک خط لوله گاز زیردریا ایجاد کند که به ایران متصل شود. طی چندین سال اخیر، آنها در حال مطالعات اولیه و مذاکره برای پیشنهادات خط لوله گاز هستند، اما مشکلات برنامه ریزی و تحریم‌های ایران و روابط منفی با کشورهای غربی، مانع از رسیدن این پروژه به مرحله تحقق شده است. خط لوله زیردریایی از سواحل ایران و از طریق دریای عمان و اقیانوس هند تا گجرات<sup>۱</sup> ساخته خواهد شد. اگر تحریم‌های اقتصادی علیه ایران لغو یا کاهش پیدا کند، توافق نامه‌ها شروع به کار و رشد خواهند کرد. پروژه خط لوله گاز ۴٫۵ میلیارد دلاری، زمانی تکمیل می‌شود که قادر به انتقال حدود ۳۱٫۱ میلیون متر مکعب گاز در روز باشد. همچنین انتظار می‌رود که در مرحله بعدی، عمان به خط لوله گاز ایران \_ هند بپیوندد. این امر روابط ایران-عمان را تقویت خواهد کرد و به آن‌ها کمک می‌کند تا در توافقنامه عشق آباد با هم همکاری کنند. (Kumar,2016:34-36)

بررسی‌ها و شبیه‌سازی‌های انجام شده توسط اقتصاددانان گروه بانک جهانی در سال ۲۰۱۶، نشان می‌داد که سود حاصل از کاهش تحریم‌های اقتصادی ایران، منجر به افزایش درآمد حدوداً ۱۸ میلیارد دلاری اقتصاد ایران و افزایش درآمد سرانه ۳٫۷ درصدی می‌شود. با این حال، اگر صادرات نفت ایران به اتحادیه اروپا به طور کامل بهبود نیابد، منافع ایران ۲۲

<sup>۱</sup> - Gujarat

درصد کمتر از حالت پیش بینی شده خواهد بود و تنها به نیمی از سطح صادرات پیش از تحریم می‌رسند. (Lanchovichina and others, 2016:15) این کاهش به احتمال زیاد نتیجه این امر است که به دلیل موانع مختلف تولید و صادرات نفت، مانند محدودیت‌های فنی در زمینه استخراج نفت خام و مسائل مربوط به حمل و نقل و بازگشت تحریم‌ها بعد از روی کار آمدن ترامپ و خروج از توافقنامه موسوم به برجام، ممکن است برگشت کامل به شرایط گذشته در کوتاه مدت امکان‌پذیر نباشد. با این حال، گسترش پروژه چابهار می‌تواند این محدودیت‌های فنی را جبران کرده و به ایران کمک کند تا اقتصاد خود را به سطح قبل از تحریم برساند. بندر چابهار تنها پروژه بین‌المللی بود که به کمک هند و افغانستان از تحریم‌های بین‌المللی آمریکا معاف شد. بر همین اساس این بندر می‌تواند هاب بین‌المللی ایران برای کاهش تاثیر تحریم‌ها و رشد اقتصادی و بهبود بخشهای مختلف تجاری جمهوری اسلامی ایران باشد. در حال حاضر ایران از بندرعباس برای صادرات کالا استفاده می‌کند؛ با این حال، بندرعباس تنها می‌تواند کشتی‌های باربری ۱۰۰,۰۰۰ تنی را دریافت کند. این امر بسیار ناکارآمد است زیرا اغلب حمل و نقل‌ها از طریق کشتی‌های باری ۲۵۰ هزار تنی انجام می‌شود و کالا باید ابتدا در امارات متحده عربی تخلیه شود و سپس به کشتی‌های کوچک‌تر منتقل شود تا بتواند در بندرعباس لنگر بیندازد. (Amirthan, 2-17:90) چابهار این مسئله را حل خواهد کرد و وابستگی ایران به امارات متحده عربی را کاهش خواهد داد؛ چرا که چابهار می‌تواند کشتی‌های ۲۵۰ هزار تنی را دریافت کند. با این حال، این مسئله تنها یکی از مزیت‌های ثانویه چابهار برای ایران است.

از جمله منافع اصلی ایران این واقعیت است که این کشور از طریق چابهار، می‌تواند شرکای اقتصادی و تجاری خود را متنوع سازد. تحت تاثیر تحریم‌های اقتصادی، چین و روسیه با تبدیل شدن به شرکای تجاری اصلی ایران جای خود را در ایران تقویت کرده‌اند. با وجود گسترش تحریم‌ها بر علیه ایران، این کشور نمی‌خواهد چین و روسیه در مورد بخش‌های اصلی ایران، نفت خام و محصولات پتروشیمی، شبه‌انحصار داشته باشند. پروژه

چابهار به ایران اجازه می‌دهد تا روابط خود با هند را تقویت کند و همچنین روابط جدیدی با کشورهای دیگر ایجاد کند و بدین ترتیب این امکان را بوجود آورد که این شبه انحصاری را که چین و روسیه ایجاد کرده اند را از بین ببرد. (Baidya,2017:149) ایران همچنین می‌تواند از طریق چابهار دوباره به جامعه جهانی برگردد. چابهار به عنوان یکی از مناطق اصلی و آزاد تجاری از سوی دولت ایران، می‌تواند در میان مدت اهمیت استراتژیک این بندر را در تجارت بین‌المللی افزایش دهد. مهدی هنردوست، سفیر وقت ایران در پاکستان در سال ۲۰۱۶، از چین و پاکستان دعوت کرده بود تا با سرمایه‌گذاری در بندر چابهار در منافع منطقه ای این بندر شریک باشند اما هیچ کدام از این کشورها تمایلی به سرمایه‌گذاری و مشارکت در این پروژه نداشته‌اند. (Ashwarya,2017:36)

در آن زمان در نگرش سیاستگذاران هندی این امر بیانگر نگرش "سیاست اقتصاد بازار آزاد" و این مسئله بود که ایران می‌خواهد به این کشورها نشان دهد که تقویت روابط با هند در صدر دستور کار ایران قرار ندارد بلکه این تقویت تجارت است که در صدر دستور کار ایران است و از این طریق بتواند خلع و نگرانی گسترش روابط ایران و هند را برای چین و پاکستان توضیح دهد. (Amirthan,2017:91) از دیدگاه نخبگان هندی یکی از چالش‌های بندر چابهار موضوع رقابت و تضاد منافع کشورهای مختلف است. (محمدی و احمدی، ۱۳۹۷:۵۲) بر همین اساس به عنوان مثال موضوع بندر چابهار برای شرکای ایران تضاد منافع را نیز ایجاد کرده است. در نگاه سیاستگذاران هندی، هند تنها به دنبال توسعه بندر چابهار است و تمایلی به همکاری با کشورهای دیگر مانند کره جنوبی که اخیراً به توسعه بندر چابهار علاقه نشان داده‌اند، ندارد. حال آنکه که مطمئناً برای همه طرف‌های درگیر در این توافق سه جانبه، منفعت وجود دارد، اما واضح است که ایران در کوتاه مدت باید بیشترین سود را از این معامله به دست آورد. با ساخت بندر چابهار، ایران با صادرات دوباره نفت و کالا، می‌تواند ضررهای ناشی از تحریم‌های اقتصادی را جبران کند. با این وجود، در بلندمدت، اگر هند



بدنبال طرح خود برای ایجاد NSTC باشد، بدون شک بیشترین سود از توسعه چابهار را این کشور خواهد داشت.

### نتیجه گیری

بسیاری از مفسران ژئوپولیتیک و اقتصادی ادعا کرده اند که این پروژه احتمالاً دوباره به دلیل مناقشات تاریخی و سیاسی ایران با غرب به خصوص ایالات متحده، متوقف خواهد شد. رقبای منطقه ای هند از جمله چین و پاکستان نیز خواهان توقف پروژه بوده اند و این امر برای آنها مثبت است. برای رقبای منطقه ای ایران و کشورهای که از تحریم ایران سود می برند نیز پروژه چابهار می تواند دردسر ساز باشد. به عنوان مثال امارات که درآمد کلانی را از بندر داری و صدور کالا به ایران دارد، لابی های مختلف خود را در ایران و هند فعال کرده تا علیه پروژه چابهار دست به کار شوند. عربستان سعودی و ترکیه نیز از جمله کشورهایی هستند که غیر مستقیم و با توجه به رقابت های منطقه ای با گسترش این پروژه مخالف بوده اند. در خود ایران نیز به خصوص بعد از گسترش تحریمها بر علیه ایران در سال ۲۰۱۷ بخشهای از نظام سیاسی ایران با گسترش همکاری با هند در زمینه پروژه چابهار مخالف بوده اند. به عنوان مثال بر مبنای گزارشهای بین المللی و بولتن های مراکز فکری و سیاستگذاری هند، به نظر می رسد، بخشی از نیروهای نظامی ایران با توافق چابهار مخالف هستند. این امر بنا بر گزارش ها به دلایل مختلف است. از جمله این دلایل این است که هند بارها به خصوص بعد از سال ۲۰۱۱ کشتی های نظامی متعلق به نیروهای نظامی ایران را به ظن حمل سلاح برای یمن و یا سومالی و مطابق با قوانین بین المللی، متوقف کرده است. از جمله این موارد می توان به توقف کشتی نفیس ۱ نام برد که توسط نیروی دریایی هند به ظن حمل سلاح متوقف و بازرسی شده است و خدمه آن دستگیر شدند. از جمله دلایل دیگر، رویکرد غربی و ضد اسلامی دولت هند در معادلات منطقه ای و بین المللی است. مسئله همگرایی، همکاری و هم صدا شدن نهادهای مختلف در نظام سیاستگذاری ایران در پروژه چابهار از جمله دیگر عواملی است که

می‌تواند به مسئله چابهار کمک کند. ناهماهنگی و عدم همکاری برخی از نهادهای ایرانی در گذشته و در زمانهای مختلف، توسعه پروژه بندر چابهار را با اختلال مواجه کرده است. از جمله مشکلات دیگری که در نگاه منتقدان هندی در رابطه با گسترش پروژه بندر چابهار وجود دارد، نگاه منفی به بوروکراسی فاسد و ضعیف هندی در رابطه با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های خارجی است. منتقدان هندی سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بلندمدت و دارای ریسک را امری اشتباه می‌دانند و برای اثبات مدعای خود سرمایه‌گذاری هند در بندر سیتوی<sup>۱</sup> میانمار را مثال می‌زنند که از آن در هند به عنوان فاجعه و ضرر یاد می‌شود. گسترش و موفقیت پروژه چابهار به ادامه تلاش‌های پیگیر دولت هند، دیپلماسی اقتصادی-سیاسی آن در سطح بین‌المللی و همچنین همکاری متوالی و همگرایی دولت ایران بستگی دارد. از جمله دلایل مهم دیگری که موفقیت پروژه چابهار به آن وابسته است، کاهش تضاد منافع ایران با غرب به خصوص ایالات متحده و همکاری این کشور برای گسترش پروژه چابهار است. بدون نظر مثبت ایالات متحده و همکاری شرکای غربی دولت هند و شرکتهای هندی<sup>۲</sup>، درصد موفقیت پروژه چابهار در کوتاه مدت بسیار پایین است. در چشم انداز آینده نگرانه، این پروژه می‌تواند باعث همگرایی و ائتلاف‌های مختلف منطقه‌ای شود و در صورت موفقیت پروژه، هند و ایران در کنار افغانستان و کشورهای دیگر منطقه از جمله کشورهای آسیای مرکزی می‌توانند بهره‌های فراوانی از این طرح ببرند.

<sup>۱</sup> - Sittwe port

<sup>۲</sup> - بسیاری از شرکتهای هندی با سرمایه‌گذاری مشترک شرکتهای غربی و سرمایه‌گذاران غربی اداره می‌شوند و در صورت عدم همکاری ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی، احتمال موفقیت پروژه چابهار بسیار کم است.

## منابع:

- اسمیت، استیو و جان بیلیس (۱۳۸۸). جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه ها، ساختارها و فرایندها). ترجمه ابولقاسم، راه چمنی و دیگران. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- بیدالله خانی، آرش و جوادی ارجمند، محمد جعفر (۱۳۹۱). «تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تاکید بر عامل امنیتی»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز.
- دهقان، بیدالله و کاظمی، مهدی (۱۳۹۰). بررسی روابط ایران و هند در سایه ظهور هند به عنوان یک قدرت منطقه ای، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۸). دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی روابط بین الملل، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کولایی، الهه و تیشه یار، ماندانا (۱۳۹۱). جلوه‌هایی از توسعه در هند؛ نگاه ایرانی، تهران: میزان.
- محمدی، حمیدرضا و ابراهیم احمدی (۱۳۹۷). «موازنه گرایی در سیاست های ژئوپلیتیکی هند (با تاکید بر نقش و جایگاه بندر چابهار ایران)»، مجله پژوهش های دانش زمین، شماره ۳۳، بهار.
- Abdi, Bilal (2019) Iraq maintains top position as India's crude oil supplier in 2018-2019, accessible on April 30, available link at: <https://energy.economicstimes.indiatimes.com/news/oil-and-gas/iraq-maintains-top-position-as-indias-crude-oil-supplier-in-2018-2019/69106973>
- Amirthan ,Shawn (2017) What are India, Iran, and Afghanistan's Benefits from the Chabahar Port Agreement?, Strategic Analysis, 41:1, 87-93,
- Ashwarya, S. (2017). India-Iran relations: Progress, problems, and prospects. New York, NY: Routledge
- Ali, S. (2016, June 13). The port politics: Gwadar and Chabahar. Foreign Policy News. Retrieved from <http://foreignpolicynews.org/2016/06/13/port-politics-gwadar-chahbahar/>
- Baidya, S. (2017). India's Policy towards Iran: Reflection of Intentions, Ambiguities and Complexities. International Studies, 54(1-4), 144-161
- Bajpai, Kanti.p and Harsh V. pant (2013) India's foreign policy: A Reader , Critical Issues in Indian Politics, Oxford University Press

- Bairagi, Ranajit (2017) Impact of foreign direct investment volatility on economic development in the Indian subcontinent, *The world economy*, Vol.40, No.12, Pp: 2832-2853
- Banerjee, P. T. (2016, June 22). Chabahar Port: The Port that Changed Everything. *Afghanistan Times*. Retrieved from <http://www.afghanistantimes.af/chabahar-port-the-port-that-changed-everything/>
- Bayne ,N., Woolcock ,S. (2016) *The New Economic Diplomacy: Decision-Making and Negotiation in International Economic Relations*, London: Routledge
- Chakrabarti, A., & Arora, R. K. (2016). India's Energy Security: Critical Considerations. *Global Business Review*, 17(6), 1480–1496.
- Cowan, G., & Cull, N. J. (2008). Public Diplomacy in a Changing World. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 616(1), 6–8
- Daniels, Rorry(2013) Strategic Competition in South Asia: Gwadar, Chabahar, and the Risks of Infrastructure Development, *American Foreign Policy Interests*, 35, No.2, pp:93-100
- Dorsey, J.M. (2019) Pakistan: The Belt and Road's Soft Underbelly. In: *China and the Middle East. Global Political Transitions*. Palgrave Macmillan, Cham
- Ganguly, Sumit (2012) *India's Foreign Policy: Retrospect and Prospect*, Oxford: Oxford University Press
- Jouhki J. (2020) Balancing Between Narratives of the West and Hindu Nationalism in Emerging India. In: Lehti M., Pennanen HR., Jouhki J. (eds) *Contestations of Liberal Order*. Palgrave Macmillan, Cham
- Kaushik, P. (2019). CPEC, Afghanistan and India's Concerns. *India Quarterly*, 75(2), 253–261.
- Kerr , P., Wiseman, G. (2017 ) *Diplomacy in a Globalizing World*, Oxford: Oxford University Press
- Kondapalli, Srikanth (2010) India's Interactions With East Asia: Opportunities and Challenges, *International Studies*, Vol.47,(2-4)Pp: 305-321.
- Kumar ,Satish (2016) *India's National Security: Annual Review 2016-17*, Delhi: Routledge
- Lanchovichina, E., Devarajan, S. ,Lakatos, C. (2016) *Lifting Economic Sanctions on Iran: Global Effects and Strategic Responses*, Policy Research Working Paper 7549, World Bank Group, February 4 at:

- <http://documents.worldbank.org/curated/en/298681467999709496/pdf/WPS7549.pdf>
- McPhillips, Deirdre (2019) 10 Countries That Receive the Most Foreign Direct Investment, accessible on Dec. 19, available link at: <https://www.usnews.com/news/best-countries/slideshows/10-countries-that-receive-the-most-foreign-direct-investment>
  - Ministry of External Affairs. (2019) Annual Report 2015–2019. New Delhi: Policy Planning and Research Division.
  - Mitra, R., (2019) India's Persian desire – analysing India's maritime trade strategy vis-à-vis the Port of Chabahar, Maritime Affairs, VOL.15, No.1, pp:41-50
  - National investment promotion of Indian government (2019) available link at: <https://www.investindia.gov.in/country/united-states>
  - Pant, Harsh V. (2019) India's Foreign Policy: Theory and Praxis, Cambridge: Cambridge university press
  - Pigman, G.A, (2016) Trade Diplomacy Transformed, Why Trade Matters for Global Prosperity. London: Palgrave Macmillan
  - Prasad, Hari (2019) India- GCC relations: More than just economics, accessible on September 20 in South Asian Voices, Available link at: <https://southasianvoices.org/india-gcc-relations-more-than-just-economics/>
  - Rana, K., S and Chatterjee, B. (2011) Economic Diplomacy: India's Experience. Jaipur: CUTS Books
  - Roy, M. S. (2012). Iran: India's gateway to Central Asia. Strategic Analysis, 36, 957–997.
  - Saner, R., and L. Yiu (2003) International Economic Diplomacy: Mutations in Post-modern Times, Discussion Papers in Diplomacy, Netherlands Institute of International Relations "Clingendael", [http://www.transcend.org/t\\_database/pdfarticles/318.pdf](http://www.transcend.org/t_database/pdfarticles/318.pdf)
  - Singh, S., & Singh, B. (2019). Geopolitics of ports: Factoring Iran in India's counterbalancing strategy for "Sino-Pak Axis." Journal of Eurasian Studies, 10(2), 169–18
  - Silver, Caleb (2020) The Top 20 Economies in the World, available link at: <https://www.investopedia.com/insights/worlds-top-economies/>
  - Spies, Yolanda Kemp (2019) Global Diplomacy and International Society, Johannesburg: Palgrave Macmillan
  - Sridharan E. (2020) India as an Emerging Donor: Political and Economic Determinants. In: Jing Y., Mendez A., Zheng Y. (eds) New

- Development Assistance. Governing China in the 21st Century. Palgrave Macmillan, Singapore
- Tellis, Ashley (2020) The Surprising Success of the U.S.-Indian Partnership, accessible on February 20 in Foreign affairs. available link at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/india/2020-02-20/surprising-success-us-indian-partnership>
  - UNCTAD (2019) World investment report, special economic zone, available at: [https://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2019\\_overview\\_en.pdf](https://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2019_overview_en.pdf)
  - U.S Energy information administration (2019) What countries are the top producers and consumers of oil? Available link at: <https://www.eia.gov/tools/faqs/faq.php?id=709&t=6>
  - Van Bergeijk, Peter A.G. and Moons, Selwyn,(2009) Economic Diplomacy and Economic Security, July 20, NEW FRONTIERS FOR ECONOMIC DIPLOMACY, pp. 37-54, Carla Guapo Costa, ed., Instituto Superior de Ciências Sociais e Políticas, 2009. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1436584>.